

کتابخانه مجید فیروز
اهدائی
بکتابخانه مجلس شورای ملی

مجلس



مطلع غزای حقیقت

یا احوال سقراط در رسایل افلاطون

اگر علم و حکمت صنعتی نیست که واضع و مخترع داشته باشد و شروع آنرا
بتوان بکسی نسبت داد لیکن مرواریدی است که باید دائماً در صدف عقل سلیم
پرورش یابد و گاهگاه سرکه تند فساد و کج فهمی اطراف آنرا فرا میگردد تا بیکباره
این گوهر درخشان هدایت را درخود حل کند و نابود سازد

سقراط آن حکیم ربانی است که مروارید فرد دانش را از بزرگترین بلای
انحلال یعنی شرّ مغالطه سفسطائیان نجات داده و نتیجه همت او چنان است که باید

گفت چشمه مسدود شده علم و حکمت را از نو گشوده و بجهت ترقی انداخته است و چون ابن کار را در چشمه ساردانش یونانی کرده و حکمت اسلامی مشرق و علوم جدید اروپائی هر دو از آن منبع صافی آب گرفته لهذا سقراط پاکیزه اخلاق مؤسس اساس و بنای معارف جدید به شمار میآید و تمدن کنونی عالم با تمام ترقیات آن از برکت انفاس طیبه این حکیم باینجا که هست رسیده و باز بهر جا رسد برکت همان انفاس پاک در ترقی آن دخیل خواهد بود

احوال و افکار چنین پیشوای دانش بقلم حکیمی نگاشته شده و برای دنیای معرفت جویان یادگار مانده که نزد خاص و عام وجود او مثل کامل عقل و حکمت است و قلم او در زبان فصیح یونانی سر آمد قلمهاست

اما چنین مطلع ضرای حقیقت یعنی رسایل افلاطون که موضوع آن احوال و افکار سقراط باشد تا کنون بلسان اصلی فارابی و ابن سینا یا زبان سعدی و فردوسی در نیامده یعنی در تمام السنه که حیث علمی یا ادبی داشته باشد ترجمه ازین سه فینه معنی میتوان یافت جز در زبان فارسی پس اگر زمانی نبود که ما فارسی زبانان ایرانی در بازار معارف بنام خسرانها و غنبتها عادت کرده باشیم این غبن خود را سخت فاحش می یافتیم و هر روز بنلافی آن موفق میشدیم آن روز را مبارک و میمون میگرفتیم

آیا با اینحال برای مجله فروغ تربیت سعادت و سرفرازی بزرگی نیست که از شماره های اول خود توانسته است در جبران این خسران شریک باشد و اقدام باین خدمت را از جانب ساحتی جلوه دهد که خود بسته نزدیک آن ساحت است؟

ترجمه یک رشته از رسایل نفیسه افلاطون که موضوع آنها وجود عالیقدر سقراط است چنانکه در ضمیمه شماره دوم ملاحظه فرمود. اند بتوسط حضرت آقای ذکاء الملک بنقل از ترجمه های معتبر فرانسه شروع گشته و مقدمه کافی بر آن افزوده شده و این اختصاص بمجله فروغ تربیت عطا گردیده که آن نسخه شریفه را بشکل

ضمیمه طبع و ختام اوراق خود را در هر شماره باین مشك نماید تا مطالعه کنندگان را فعلا فائده مطالعه آن بتدریج حاصل آید و در آینده نیز بتوانند مجموع اوراق كلبرك نشان آنرا جدا کرده يك نسخه مرتب در مجلد جدا گانه داشته باشند

از اوصاف خاصه این ترجمه چون بوجهی شبیه بخود ستائی کرده چیزی نمی گوئیم و فضایل اصل را گمان نمیکنیم محتاج بستایش باشد تحقیق در حقایق آنرسایل نیز بسته بآنست که متن هر رساله بتعمای بنظر خوانندگان رسیده باشد لهذا در این نوبت برسبیل تاکید همینقدر باز متذکر میشویم که این رسایل عالیه دیباچه تمام معارف جدیده است پس باید بدقت کامل در آن نظر کرد و حقایق و دقائق را که اینهمه ترقیات از آن حاصل گشته بدیده توجه و اعتبار دید و هر چند نکات یافتنی را هر کس بلید بذوق خود در ضمن مطالعه و دقت بیابد ما از پیش توجه خوانندگان محترم را برای مزید فایده بدقایق ذیله جلب مینماییم وایشانرا میخوانیم تا بیشتر دقیق شوند و درقرائت این رسایل به بینند :

چگونه ریشه معارف و آثار تمدن جدید که فواید مادی آنرا می بینیم و ما را مفتون ادبیات کرده در حقایق روحانی و معنوی محض یافته میشود

چگونه افتتاح کننده باب حقیقی حکمت و علوم دانشمندی است که تمام دانش خویش را در شناسائی جهل خود میدانند و مقام حکمت را چنان بلند میشناسند که خود را بلفظ حکیم نمیخوانند بل محب حکمت مینامند و بافتخار همین رتبه اکتفا مینمایند

چگونه همان حکیم که ادعای هیچ دانشی جز توجه بجهل خویش نمیکند بر وجود خدای خود یقین کامل دارد و صراط مستقیم هدایت را بیرکت همین ایمان و یقین مییابد بلکه خود را در تعلیم حکمت و تهذیب اخلاق ناس از جانب خدای خویش مامور میدانند و باینطریق سلسله حکما و خداوندان علم را بانبیا پیوند میدهد

چگونه حکیم فانی در حکمت و پرسش حقیقت دانش و بینش و حکمت و اخلاق همه را مقدمه تحصیل سعادت برای هیئت جامعه نوع و وطن خویش میشناسد و نفس خود

را فدای متابعت از قانون شهر خود میکنند در حالیکه آن قانون در حق او بخطا و ظلم رفته و حکم بهلاک او داده است

چگونه بیش از دو هزار سال پیش اول استاد بزرگ حکمت و اخلاق در همه چیز علم را میزان صحت میداند و اثبات میکند که امور عمومی نیز از سیاسی و اجتماعی علمی دارد و بدون مهارت در آن علم بازی کردن با امور عامه خطا و گناهی عظیم بشمار آید آخر الامر چیزی که شاید از همه دیدنی تر و فایده آن در عالم دانش عظیم تر باشد اینکه سقراط روشن روان از حکمت و معرفت نمیبخواهد جز تهذیب اخلاق و در همین حال مقدمه معرفت و حکمت را هم باکی اخلاق یافته و بوسیله اصلاح اخلاقی است که گوهر علم را از فساد و نابود شدن نجات بخشیده: حکمت را جز بشرط صفای بیعی حکمت نداند و باندک فساد نیت و هوای نفس کدورت پذیر شناسد و خود با چنان خلقی مذهب و صفاتی مبرا از شایبه اغراض دنیه زیست میکند و با احتیاط در حفظ باکی و تقوی براه طلب علم قدم میزند که میتوانیم بگوئیم قول و فعل حکیم بزرگوار یونان مانند شاه فرد لسان الغیب ما در خطاب به حرمان حرم دانش میگوید:

ای جرعه نوش مجلس جم سینه باک دار

کآینه است جام جهان بین که آه ازو

رسایل دیگر افلاطون هم که موضوع آن شخص سقراط نیست اجل کتب

حکمت و معرفت است و ما بترجمه و نشر آنها نیز آرزو مند و امیدواریم تا موافقت تقدیر با آرزو و امید ما بچه حدت باشد

ابوالحسن فروغی

